

تأثیر تعامل پلیس و آموزش و پرورش بر پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور

صنعتی در دانش آموزان

ابراهیم صفایی^۱، حسن رضا رفیعی^۲، علی احتشامی^۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۲۸

چکیده

زمینه و هدف: وابستگی به مواد مخدر عامل بروز بسیاری از مشکلات فردی خانوادگی و اجتماعی دانش آموزان است. تأثیرات روحی، روانی، اخلاقی و اجتماعی زیادی بر افراد و خانواده دارد و منجر به رفتارهای آسیب‌زا و برهم زدن انتظام اجتماعی جامعه می‌شود. هدف این تحقیق بررسی تأثیر تعامل پلیس و آموزش و پرورش بر پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی در دانش آموزان دبیرستان شهر مشهد مقدس است.

روش: روش تحقیق، توصیفی و پیمایشی و جامعه آماری کارکنان دبیرستان‌های مشهد مقدس به تعداد ۲۶۰۰ نفر است که در این میان ۳۳۱ نفر به روش تصادفی طبقه‌ای و خوشه‌ای به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری یافته‌ها پرسش‌نامه است و برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها از جدول فراوانی، میانگین، انحراف معیار در آمار استنباطی از آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن متغیرها و آزمون^۳ ناپارامتری «تی یک نمونه‌ای» و آزمون رتبه‌بندی فریدمن استفاده شد.

یافته‌ها و نتایج: براساس آزمون «تی یک نمونه‌ای» سطح معناداری علامت معادل ۰/۰۰۱ است. بنابراین در سطح ۰/۰۵، فرض صفر یعنی بی‌تأثیری تعامل پلیس و آموزش و پرورش بر پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی رد و فرض یک یعنی تأثیر تعامل پلیس و آموزش و پرورش بر ارتقای نظم اجتماعی از طریق پیشگیری از اعتیاد دانش آموزان مورد تأیید قرار گرفت. با استفاده از آزمون فریدمن تأثیر تعامل آموزشی در درجه اول و تعامل‌های اطلاعاتی و فرهنگی پلیس و آموزش و پرورش بر پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی توسط دانش آموزان دبیرستان‌های مشهد مقدس در رتبه‌های دوم و سوم بود.

کلیدواژه‌ها

تعامل، مواد اعتیادآور صنعتی، پیشگیری، آموزش و پرورش، پلیس، دانش آموز

۱. کارشناس ارشد پیشگیری انتظامی دانشگاه علوم انتظامی امین. رایانامه: absafa.56@gmail.com

۲. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم انتظامی امین. (نویسنده مسئول). رایانامه:

HRR1340@chmail.ir

۳. عضو هیئت علمی گروه مبارزه با مواد مخدر دانشگاه علوم انتظامی امین. رایانامه:

110ehteshami@gmail.com

مقدمه

ناگفته پیداست مصرف مواد مخدر تهدیدی بر ضد سلامت عمومی جامعه است و می‌تواند به ثبات و نظم اجتماعی، اقتصادی و... ملت‌ها آسیب برساند. به دلیل ضعف آگاهی عمومی، لازم با آگاه‌سازی افشار مختلف جامعه به‌ویژه نسل جوان نسبت به پیشگیری از این معضل خانمان‌سوز اقدام کرد (کاهه، ۱۳۸۹: ۱۵). یکی از مسائلی که نسل جوان و به‌ویژه دانش‌آموزان را تهدید می‌کند بلای خانمان‌سوز اعتیاد به مواد مخدر خصوصاً از نوع صنعتی آن است و این دوره اوج تجلی اعتیاد است (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۳). نگارندگان بر این اعتقادند که یکی از راه‌های مؤثر بر جلوگیری از اعتیاد جوانان به مواد مخدر را باید در تعامل منطقی پلیس و آموزش پرورش یافت. اعتیاد به مواد مخدر یکی از جدی‌ترین و پیچیده‌ترین معضلات جامعه بشری در سال‌های اخیر است. با توجه به جوانی جمعیت کشور یکی از مسائلی که نسل جوان به‌ویژه دانش‌آموزان را تهدید می‌کند مصرف مواد مخدر است زیرا این طیف سنی، اوج تجلی اعتیاد است (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۳). روند کلی نشان می‌دهد که الگوی مصرف مواد اعتیادآور از مواد سنتی مثل تریاک به سوی مواد صنعتی مثل شیشه در حال تغییر جدی است (نوری، ۱۳۸۹: ۴۱).

میزان شیوع مصرف مواد در دانش‌آموزان، ۱۰ استان کشور نشان داده است که در کل ۱۹ درصد از دانش‌آموزان حداقل یک بار از مشروبات الکلی یا مواد اعتیادآور استفاده کرده‌اند (محمدخانی، ۱۳۸۴: ۲۹). علاوه بر روند رو به رشد اعتیاد، سن معتادان در حال کاهش است، به‌طوری‌که برابر مطالعات، سن شروع اعتیاد ۹ سالگی گزارش شده است (برجاس، ۱۳۹۰: ۱۰۷). آمار نشان می‌دهد که از حدود دو میلیون معتاد کشور حدود ۱۶ درصد از آنها کمتر از ۱۹ سال سن دارند (دادخواه و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۷). امروزه شیوع رفتارهای پرخطر جوانان معتاد یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های جوامع از جمله ایران است. از سال ۱۳۹۲ مصرف داروهای ممنوعه در میان نوجوانان و بخصوص دانش‌آموزان افزایش یافته است (خزایی، ۱۳۹۲: ۲۸). مطالعات نشان داده که یکی از خطرناک‌ترین مواقع برای آسیب‌پذیری بیش‌تر نسبت به مصرف مواد مخدر مرحله انتقال از دوران کودکی به دوران نوجوانی و جوانی است. در اوایل

دبیرستان، نوجوان با چالش‌ها و مسائل روانی اجتماعی متعددی روبه‌رو است. برای مثال کنار آمدن و ارتباط فرد با گروه‌های هم‌سال در اوایل دوران نوجوانی است که او برای اولین بار با مواد مخدر آشنا می‌شود. دانش‌آموز در این دوره با چالش‌های تربیتی و روان‌شناختی و اجتماعی خاص مواجه است که می‌تواند او را به مصرف سیگار، مشروبات الکلی و مواد مخدر سوق دهد (طارمیان، ۱۳۸۳: ۷۹).

برابر اعلام دبیر شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر استان خراسان رضوی، آمار معتادان استان، ۱۳۰ تا ۱۵۰ هزار نفر است و تعدادی از آنها از مواد اعتیادآور صنعتی نوظهور استفاده می‌کنند، وی با اشاره به ضرورت جدی گرفتن فرهنگ سازی برای مبارزه با مواد مخدر، می‌گوید: «خطرهای فراوان مواد مخدر و سهل‌الوصول بودن آن به حدی است که برای فرهنگ سازی به‌جای مدارس، باید از مهد های کودک این کار را آغاز کرد زیرا انواع مواد مخدر در قالب بسته بندی‌های شیک همانند آدامس و شکلات روانه بازار شده‌اند» (روزنامه خراسان، یکشنبه دوم آبان‌ماه، ۱۳۹۵). اعتیاد نوجوانان و جوانان نگران‌کننده است و سازمان‌ها و نهادهای درگیر در امر پیشگیری و مبارزه با مواد مخدر باید با درک صحیح این نگرانی در صدد رفع این معضل باشند. آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از نهادهایی که ارتباط مستقیم با قشر جوان دارد، می‌تواند مشکلات دانش‌آموزان را شناسایی کند، ولی احتمالاً به دلیل فقدان آشنایی کافی با روش‌های پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی امکان حل ریشه‌ای مشکل را ندارد و نیاز به تعامل با سازمان‌های دیگر از جمله پلیس دارد. این نهاد می‌تواند اطلاعات سطح مدارس را جمع‌آوری کند و در اختیار پلیس قرار دهد. پلیس پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات دریافتی، راه‌حل‌های مناسب را احصا و با همکاری آموزش و پرورش پیاده می‌کند. تعاملات فرهنگی، آموزشی و اطلاعاتی این دو نهاد می‌تواند برای کاهش مصرف مواد اعتیادآور صنعتی تأثیر بسزایی داشته باشد. روند چشم‌گیر گرایش نوجوانان و جوانان به مواد مخدر سبب شده تا محققان این مسئله را بیش از پیش مورد توجه قرار دهند و سعی کنند تا علل گرایش نوجوانان به مواد مخدر را مشخص و به دنبال راه‌حلی برای این مشکل باشند. بر این اساس، نگارندگان این مقاله به دنبال پاسخ این پرسش هستند که: تعامل پلیس و آموزش و

پرورش بر پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی در دانش‌آموزان چه تأثیری دارد؟ پژوهش‌های متعددی درخصوص علل گرایش جوانان به مواد اعتیادآور انجام شده است. جدیدترین موارد مربوط به پیشینه موضوع بررسی، به طور خلاصه به شرح جدول‌های ۱ و ۲ است:

جدول ۱: پیشینه داخلی

ردیف	نام محقق	عنوان تحقیق	نتایج حاصله
۱	ترکمان و رفیعی (۱۳۹۶)	نوجوانان، جوانان و خطر ابتلا به اعتیاد مواد مخدر	علل اجتماعی تأثیر زیادی در گرایش جوانان به مواد مخدر صنعتی دارد.
۲	احدی (۱۳۹۵)	بررسی علل اعتیاد به مواد مخدر صنعتی	بین آنومی، محل سکونت، مهاجرت، یادگیری اجتماعی، کنترل اجتماعی، دسترسی آسان به مواد مخدر، ناکامی و بیکاری و اعتیاد به مواد مخدر صنعتی رابطه معنادار قوی وجود دارد.
۳	اسفندیاری (۱۳۹۶)	تعیین میزان آگاهی جوانان راور به آثار فیزیولوژیکی سوء مصرف مواد مخدر	آگاهی مدارس درخصوص مواد مخدر صنعتی بسیار پایین است
۴	نخعی (۱۳۹۴)	بررسی نگرش و آگاهی سربازان درباره سوء مصرف مواد مخدر صنعتی	عوامل اجتماعی و میزان آگاهی سربازان با مصرف مواد اعتیادآور صنعتی رابطه معناداری دارد.
۵	حکیمی (۱۳۹۴)	رابطه خشم و پرخاشگری با مصرف مواد اعتیادآور در مدارس	بین کنترل خشم بیرونی و درونی با گرایش به مواد رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۲: پیشینه خارجی

ردیف	نام محقق	عنوان تحقیق	نتایج حاصله
۱	نوزامی و گوردن (۲۰۱۵)	ویژگی‌های شخصی افراد متمایل به اعتیاد	محیط‌های اجتماعی نقش قابل توجهی در گرایش به مواد مخدر دارد.
۲	دراکر و همکاران (۲۰۱۳)	رابطه بین آسیب‌های دوران کودکی و سوء مصرف مواد	در دوران بحران نوجوانی الگوهای رفتاری شکل می‌گیرد و الگوهای نادرست موجب بروز آسیب استفاده از مواد مخدر می‌شود.
۳	تاهیری و همکاران (۲۰۱۲)	نگرش دانشجویان دبیرستانی در مورد سوء مصرف مواد	آموزش دانش‌آموزان در خصوص عواقب مصرف مواد در پیشگیری از مصرف مواد مؤثر است.
۴	ماتسوموتو و همکاران (۲۰۱۱)	بررسی اثر احتمالی مداخله با استفاده از کتاب خود آموزش‌گری در معتادان به مواد مخدر	استفاده از کتاب کار در کاهش وابستگی به مواد مؤثر است.
۵	اسکیر و همکاران (۲۰۰۹)	بررسی رابطه تعارض خانوادگی و استرس‌های محیطی	تعارض خانوادگی با خطر اختلال سوءمصرف مواد در نوجوانی رابطه معناداری دارد.

در جمع‌بندی پیشینه تحقیق می‌توان گفت که علاوه بر عوامل درونی، عوامل بیرونی یا عوامل محیطی نیز به شدت بر گرایش افراد به مواد مخدر تأثیر دارد و برای پیشگیری از آن باید اطلاعات رسانی و آگاه‌سازی از روش‌های مختلف صورت گیرد.

مبانی نظری

یکی از معضلات اجتماعی موجود در کشورمان، گرایش جوانان به مصرف مواد اعتیادآور است. در سال‌های اخیر با توجه به تبلیغات صورت گرفته روی اثرات مواد اعتیادآور صنعتی، ایجاد باورهای غلط در خصوص این مواد و گسترش استفاده از برخی از این مواد در میهمانی‌های شبانه و اثرات اولیه ایجاد شادی و نشاط کاذب در اثر مصرف این دسته از مواد، گرایش به استفاده از آن‌ها به‌ویژه در جوانان بیشتر شده است (امیرپور و قربانی، ۱۳۹۱). مواد اعتیادآور صنعتی که دارای خطرات بیشتری نسبت به مواد اعتیادآور طبیعی هستند در سه دسته آرام‌بخش، توهم‌زا و محرک طبقه‌بندی می‌شوند (احتشامی، ۱۳۸۵). برای استفاده از موادی در

هرکدام از این دسته‌ها در دوره‌ای چندساله، تبلیغات گسترده‌ای می‌شود و با القای باور بی‌خطر بودن نوع خاصی از این مواد، به شیوع آن دامن زده می‌شود. زمانی کراک و چیزک‌ها داروی ترک اعتیاد به هروئین معرفی می‌شود و زمانی شیشه تنها محرک و بدون خواص اعتیادآوری و امروزه گل ماده‌ای شادی آور. شکل ارائه این مواد در قالب آدامس، شکلات، کیک و شیرینی نیز برای برخی جذاب است و البته باور به اعتیاد آور بودن آن‌ها را سخت کرده است. اثرات اولیه ایجاد شادی و نشاط کاذب باعث تعمیق باورهای غلط شده و با ایجاد اغفال در مصرف‌کننده کنجکاو، وی را قبل از آن که به اثرات مخرب ناشی از مصرف واقف سازد به ورطه اعتیاد می‌کشد (امیرپور و قربانی، ۱۳۹۱). به‌رحال برای جلوگیری از غوطه‌وری نسل جوان در دام مواد اعتیادآور صنعتی نیاز به برنامه‌های پیشگیری وجود دارد.

منظور از پیشگیری، تلاش برای کاهش عرضه و تقاضای مصرف مواد مخدر است (معصومی‌راد، ۱۳۸۹: ۱۲۸). به‌طور کلی در امر پیشگیری، راه حل سریع و آسان وجود ندارد. در عوض مجموعه‌ای از اقدامات در قالب برنامه‌های منظم با روش‌های مختلف مورد نظر است، تا بتوان به نتایج دلخواه دست یافت. هر چند نیاز به پیشگیری یک واقعیت آشکار است، ولی انتخاب بهترین روش پیشگیری چندان آسان نیست. زیرا علل اعتیاد، متعدد، مرتبط به هم و چند بعدی است. بدون شک جوامع گوناگون، اقدامات پیشگیرانه متنوع را با شرایط خاص خود مطابقت می‌دهند. در راستای کاهش یا از بین بردن عرضه و تقاضای مواد مخدر و اعتیاد، از طرف اندیشمندان رویکردهای مختلفی مطرح می‌شود که در حالت کلی می‌توان آن را به دو رویکرد اصلی پیشین و پسین تقسیم بندی کرد.

بر اساس بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷، پیشگیری از وقوع جرم در قالب مبارزه با مواد مخدر یکی از وظایف نیروی انتظامی به‌عنوان ضابط قوه قضاییه است. از طرفی متخصصان بر این باورند که مدارس به دلایل مختلف مناسب‌ترین مکان برای اجرای برنامه‌های پیشگیری از رفتارهای پرخطر محسوب می‌شود (آدلمن و تیلور، ۲۰۰۳). ترکیب وظیفه ذاتی نهاد پلیس و فرصت موجود در نهاد مدرسه ایجاد همکاری بین مدرسه و پلیس را ضروری می‌سازد: تعاملی که فرصت در دست گرفتن نبض وقوع جرم و ناهنجاری‌های

اجتماعی را ایجاد می‌کند و به پلیس جامعه‌محور معنا می‌بخشد. در سال ۱۸۲۹ میلادی، سر رابرت پیل اندیشه پلیس جامعه‌محور را همزمان با ارائه طرح نیروی پلیس حرفه‌ای یا پلیس متمرکز به پلیس انگلستان معرفی کرد. به نظر پیل «پلیس، عامه مردم است و عامه مردم پلیس...» (اتکینسون، ۱۳۸۵: ۹).

ارتباط بین پلیس و مدرسه مسئله جدیدی نیست و از اوایل قرن بیستم به این سو کشورهای مختلف به اهمیت این همکاری پی برده‌اند (شاو، ۱۳۸۸: ۱۱ و ۲۸ و ۳۹). از جمله اهداف مهم همکاری پلیس و مدرسه، حل معضلات اجتماعی است (رفیعی، ۱۳۹۳: ۱۷۰). گسترش همکاری‌های چند جانبه این دو سازمان شامل همکاری قسمت‌های مختلف آن‌ها نیز می‌شود. نوجوانان سرمایه‌های کشور هستند و سلامت روح و جسم آنها تضمین‌کننده سلامت جامعه آینده است. با توجه به جوانی نسبی جمعیت ایران، قشر نوجوان از اهمیت خاصی برخوردار است و مسائل آنان از جمله مسائلی است که باید به آن توجه کافی داشت. در اهمیت تعامل پلیس با مدرسه تحقیقات زیادی انجام شده و برنامه‌های متعددی نیز اجرا شده است. مثلاً شاو اعلام داشته است که در استان کبک کانادا تقریباً یک سوم نیروهای پلیس در طول هفته در مدارس حضور فعال دارند (شاو، ۱۳۸۸: ۱۶). در آمریکا نیز سرویس پلیس جامعه‌محور مبلغ ۷۱۵ میلیون دلار برای تشکیل بیش از ۶۰۰۰ نفر پلیس مدرسه در ۲۶۰۰ مرکز پلیس اختصاص داده و ۲۱ میلیون دلار برای آموزش این نیروها از مدیران مدارس دریافت کرده است. در کشورهای اروپایی همکاری پلیس و مدرسه بیشتر در راستای نقش‌های آموزشی است و به سه شیوه صورت می‌گیرد ۱- شیوه افسران جامعه‌محور در قالب حضور دایمی که افسران پلیس در مدارس است و آنها به عنوان نیروی پایور مدرسه به حساب می‌آیند. ۲- شیوه افسران آموزش‌دهنده که: افسران پلیس به عنوان همکار آموزشی با مدرسه همکاری دارند. ۳- شیوه روابط وسیع پلیس و مدرسه که در قالب آن پلیس برای تحقق (مدرسه امن‌تر) مانند عضوی از یک شبکه بزرگ‌تر و متشکل از سازمان‌های محلی، جامعه یا سرویس‌های اجتماعی با مدرسه همکاری می‌کند.

در کشورهایمانند هلند، بلژیک، اسلواکی، لهستان و استونی طرح پذیرش مدارس اجرا می‌شود. در این طرح افسران پلیس پیشگیری از جرم، با شعار «درست رفتار کن» در مدارس به دانش‌آموزان آموزش می‌دهند. چنین طرحی بر مبنای طرح یادشده بر این اندیشه استوار است که بهتر است یک بچه را تربیت کنیم تا اینکه یک بزرگ را اصلاح کنیم (شاو، ۱۳۸۸: ۱۶-۱۸ و ۴۸). اجرای امور پلیسی جامعه‌محور در مدرسه که به انواع آن اشاره شد، با اجرای امور پلیس سنتی متفاوت است. بر اساس این رویکرد، مأموران برای آموزش و اجرا اعمال قانون در مدرسه منصوب می‌شوند و هدفشان حل مسئله است نه واکنش نشان دادن به وقایع مجرمانه. در این رویکرد حضور پلیس در مدرسه نشانه وجود ناامنی نیست، بلکه شاخصی از تضمین امنیت و بهبود آموزش است. بنابراین حضور خودرو پلیس در مقابل مدرسه نشانه وقوع حادثه بد نیست، بلکه حاکی از شکل‌گیری روابطی خوشایند است که نشان‌دهنده تغییر اساسی در نقش پلیس به عنوان رابط اجتماعی با مردم و حفظ نظم و امنیت در جامعه است (اتکینسون، ۱۳۸۵: ۱۵).

با وجودی که پلیس مدرسه به عنوان متخصص برقراری امنیت عمومی می‌تواند در تأمین امنیت مدرسه نقش مهمی ایفا کند، اما اغلب نقش پلیس در افزایش کارایی مدرسه نادیده گرفته می‌شود. امنیت و رفاه دانش‌آموزان، در گرو حضور و وجود پلیس در مدرسه است و نقشی اساسی در ارتقای کارایی مدرسه دارد که در دراز مدت باعث تقویت همکاری پلیس و مدرسه خواهد شد (اتکینسون، ۱۳۸۵: ۱۵ و ۲۱). تعامل پلیس با آموزش و پرورش برای پیشگیری از اعتیاد دانش‌آموزان بر سه نظریه استوار است:

۱. نظریه کنترل شناختی: در این نظریه ادعا می‌شود که، داشتن اطلاعات لازم و بیشتر در کنترل دانش‌آموزان و هدایت آنها به سوی عدم مصرف مواد مخدر بسیار با اهمیت است. برابر نظریه بازدارندگی حفاظت جامع از کژ رفتاری یا رفتارهای ضد اجتماعی با کسب اطلاعات و کنترل بیشتر امکان‌پذیر است، با وجود اهمیت چنین اموری، در جامعه به جای کنترل و هدایت به تنبیه بزهکار اقدام و هزینه‌های بیشتری را برای آن پرداخت می‌کنند.

۲. نظریه فشار و بازدارندگی: در نظریه فشار هدف تبدیل فرهنگ‌های کوچک به فرهنگ جاری است که در تعامل و ارتباط بین پلیس و مدرسه این امکان بوجود خواهد آمد تا این ارتباط به صورت فرهنگ در جامعه جاری شود.

۳. نظریه نفوذ و کنش متقابل اجتماعی: در این نظریه ادعا می‌شود که، بچه‌ها به دلیل حس کنجکاوی و آموزش‌پذیری سریع‌تر در معرض آسیب بیشتری هستند، بنابراین بهتر است این آموزش‌ها به صورت اصولی و معقول از سوی مدیران و معلمان پرورشی مدارس با پلیس انجام گیرد و از طریق کتاب‌های آموزشی مناسب عوارض و پیامدهای مصرف مواد به دانش‌آموز در دوران کودکی آموزش داده شود تا در بزرگسالی نیز به‌عنوان یک قبح به آن توجه کند. سه نوع تعامل از این نظریات استنتاج می‌شود:

۱. تعامل فرهنگی برگرفته از نظریه کنترل شناختی؛

۲. تعامل اطلاعاتی برگرفته از نظریه فشار و بازدارندگی؛

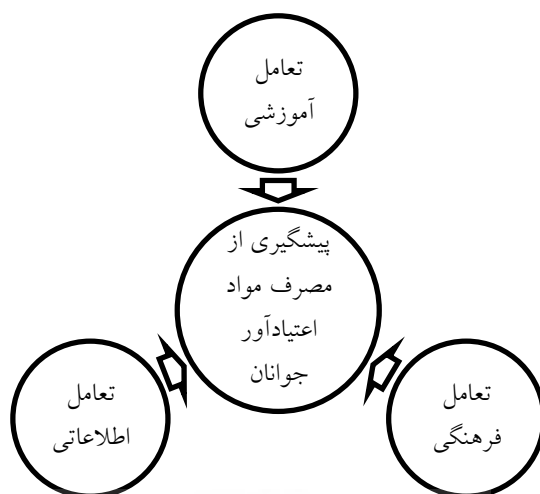
۳. تعامل آموزشی برگرفته از نظریه نفوذ و کنش متقابل اجتماعی.

تحقیق حاضر برای تعیین کیفیت تأثیر تعاملات فرهنگی، اطلاعاتی و آموزشی پلیس با آموزش و پرورش برای پیشگیری از اعتیاد دانش‌آموزان صورت گرفت. بر این اساس سؤال زیر برای محققان مطرح شد که به‌عنوان سؤال اصلی تحقیق باید به آن پاسخ دهند: «آیا تعامل پلیس و آموزش و پرورش بر پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی در دانش‌آموزان دبیرستانی مشهد مقدس، تأثیر دارد؟» پاسخ به سؤالات فرعی زیر می‌تواند راه‌گشای پاسخ به سؤال اصلی باشد:

۱. آیا **تعامل فرهنگی** پلیس و آموزش و پرورش بر پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی در دانش‌آموزان دبیرستانی مشهد مقدس، تأثیر دارد؟

۲. آیا **تعامل اطلاعاتی** پلیس و آموزش و پرورش بر پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی در دانش‌آموزان دبیرستانی مشهد مقدس، تأثیر دارد؟

۳. آیا **تعامل آموزشی** پلیس و آموزش و پرورش بر پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی در دانش‌آموزان دبیرستانی مشهد مقدس، تأثیر دارد؟



روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق کلیه معلمان، مربیان و مسئولان دبیرستان‌های تابعه اداره کل آموزش و پرورش شهر مشهد شامل: ۸۱ دبیرستان پسرانه و ۸۳ دبیرستان دخترانه در سطح نواحی ۷ گانه شهر به تعداد کل ۲۶۰۰ نفر است که آشنایی کامل با دانش‌آموزان و مشکلات آن‌ها پیدا کرده‌اند و در زمینه موضوع تحقیق نیز جمعیتی خبره محسوب می‌شوند. به علت گستردگی محدوده تحقیق افراد نمونه تحقیق با استفاده از شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده و خوشه‌ای، از هر ناحیه ۲ مدرسه (یک پسرانه و یک دخترانه) جمعاً ۱۴ مدرسه به صورت تصادفی انتخاب شدند که تعداد کل کارکنان این مدارس ۳۳۱ نفر است و با جدول کرجسی و مورگان مطابقت دارد. برای گردآوری اطلاعات بخش اسنادی از ابزار یادداشت‌برداری و برای گردآوری اطلاعات میدانی از پرسشنامه محقق ساخته دارای ۳۱ سوال برای سنجش تأثیر سه متغیر مستقل بر متغیر وابسته استفاده شد که در آن گویه‌ها بر اساس مقیاس ۵ گزینه‌ای طیف لیکرت نمره‌گذاری شده است. روایی پژوهش حاضر با استفاده از نظر خبرگان و اساتید مسلط بر روش تحقیق بررسی شد. پایایی تحقیق با استفاده از روش آلفای کرونباخ در سطح حدود ۰/۹۷ محاسبه شد

که نشان از اعتبار بالای نتیجه تحقیق است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. در آمار توصیفی از جداول فراوانی و درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار و در آمار استنباطی برای سنجش نرمال بودن متغیرها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد و چون نتیجه حاکی از غیرنرمال بودن متغیرها بود، برای سنجش تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از آزمون ناپارامتری تی یک نمونه‌ای و برای رتبه‌بندی نتایج مربوط به فرضیه‌های تحقیق، آزمون فریدمن به کار گرفته شد.

یافته‌های تحقیق

الف) یافته‌های توصیفی: داده‌های جمعیت‌شناختی تحقیق به تفکیک جنسیت، سابقه خدمت، مدرک تحصیلی و نوع مسئولیت گردآوری و تحلیل شد که به این شرح است: **الف) جنسیت:** بیش از دو سوم جامعه نمونه انتخاب شده، مرد هستند. **ب) سابقه خدمت پاسخگویان:** بالغ بر ۸۰ درصد جامعه نمونه سابقه‌ای بالاتر از ۱۵ سال دارند و بیش از نیمی از خدمت خود را طی کرده‌اند. **ج) مدرک تحصیلی:** بیش از ۹۰ درصد پاسخگویان دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر هستند. **د) نوع مسئولیت در مدرسه:** بیش از ۶۰ درصد پاسخگویان از طیف معلمان و مربیان دبیرستان انتخاب شدند. این تحلیل جمعیت‌شناختی خبرگی و تجربه پاسخگویان و تسلط آنان بر امور آموزشی و تربیتی را برای محققان مسجل کرد.

ب) یافته‌های استنباطی

توصیف متغیرهای تحقیق: آماره‌های توصیفی ابعاد تأثیر متغیر مستقل (تعامل آموزش و پرورش و پلیس) بر متغیر وابسته (پیشگیری از اعتیاد دانش‌آموزان) در نمونه مورد بررسی به شرح جدول شماره ۳ است.

جدول ۳: آماره‌های توصیفی تأثیر ابعاد متغیر تحقیق بر پیشگیری از اعتیاد دانش‌آموزان

ردیف	متغیر	ابعاد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	حداقل و حداکثر ممکن
۱	تعامل پلیس و آموزش و پرورش	تعامل فرهنگی	۳/۷۹	۰/۷۹	۱/۲	۵	۵-۱
۲		تعامل اطلاعاتی	۳/۸۳	۰/۸۸	۱/۱۸	۵	۵-۱
۳		تعامل آموزشی	۳/۹۳	۰/۸۸	۱/۲	۵	۵-۱
-	کل		۳/۸۸	۰/۷۸	۱/۲۹	۵	۵-۱

نظر به اینکه میانگین‌های به دست آمده از میانگین استاندارد یعنی ۳ بالاتر است، نتایج حاصل شده حاکی از آن است که هر سه نوع تعامل پلیس با آموزش و پرورش در پیشگیری از اعتیاد دانش‌آموزان مؤثر است.

آزمون فرضیه‌های تحقیق

برای سنجش نرمال بودن متغیرها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۴ ارائه می‌شود.

جدول ۴: آزمون کولموگروف اسمیرنوف متغیرهای تحقیق

نتیجه	آزمون کولموگروف - اسمیرنوف		یافته‌های توصیفی		ابعاد متغیر تحقیق	ردیف
	سطح معناداری	آماره Z	انحراف معیار	میانگین		
غیر نرمال	۰/۰۰۲	۱/۸۸۳	۰/۷۹	۳/۷۹	تعامل فرهنگی پلیس و آموزش و پرورش در پیشگیری از اعتیاد دانش‌آموزان	۱
غیر نرمال	۰/۰۰۶	۱/۷۱۳	۰/۸۸	۳/۸۳	تعامل اطلاعاتی پلیس و آموزش و پرورش در پیشگیری از اعتیاد دانش‌آموزان	۲
غیر نرمال	۰/۰۰۰۱	۲/۵۳۱	۰/۸۸	۳/۹۳	تعامل آموزشی پلیس و آموزش و پرورش در پیشگیری از اعتیاد دانش‌آموزان	۳
غیر نرمال	۰/۰۰۰۱	۲/۶۱۹	۰/۷۸	۳/۸۸	کل	-

با توجه به اینکه سطح معناداری در همه موارد بررسی شده در جدول ۴ از عدد ۰/۰۵ کمتر است، غیر نرمال بودن متغیرها را نشان می‌دهد. بنابراین برای تحلیل نتایج تحقیق باید از آزمون‌های ناپارامتری وضعیت استفاده شود؛ به همین خاطر مبنای تحلیل بر اساس آزمون ناپارامتری تی یک نمونه‌ای است.

فرضیه فرعی اول: تعامل فرهنگی پلیس و آموزش و پرورش بر پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی در دانش‌آموزان دبیرستانی مشهد مقدس تأثیر دارد. با توجه به توضیحات زیر بررسی فرضیه اصلی مبنی بر غیر نرمال بودن متغیرها و تحلیل آزمون ناپارامتری تی یک نمونه‌ای، نتایج این آزمون در مورد بررسی فرضیه فرعی اول به شرح مندرج در جدول ۶ است.

جدول ۶: نتایج آزمون تی یک نمونه‌ای در مورد تحلیل نتایج فرضیه فرعی اول

میانگین	انحراف معیار	میانۀ	تعداد کمتر از میانۀ	تعداد معادل میانۀ	تعداد بیشتر از میانۀ	سطح معناداری
۳/۷۹	۰/۷۹	۳/۹	۴۵	۷	۲۷۹	۰/۰۰۱

از نتایج جدول ۶ استنباط می‌شود، میانگین تأثیر متغیر «تعامل فرهنگی پلیس و آموزش و پرورش» بر متغیر «پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی» در دانش‌آموزان دبیرستانی، ۳/۷۹ با انحراف معیار ۰/۷۹ و میانۀ ۳/۹ است. همچنین سطح معناداری آزمون علامت معادل ۰/۰۰۱ است. بنابراین در سطح $\alpha = 0.05$ فرض H_0 رد و فرض H_1 پذیرفته می‌شود و این نتیجه نشان دهنده تأثیر مثبت تعامل فرهنگی پلیس و آموزش و پرورش بر پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی توسط دانش‌آموزان دبیرستانی شهر مشهد است.

فرضیه فرعی ۲: تعامل آموزشی پلیس و آموزش و پرورش بر پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی در دانش‌آموزان دبیرستانی مشهد مقدس تأثیر دارد. با توجه به توضیح زیر بررسی فرضیه اصلی مبنی بر غیر نرمال بودن متغیرها و تحلیل آزمون ناپارامتری تی یک نمونه‌ای، نتایج این آزمون در مورد بررسی فرضیه فرعی دوم به شرح مندرج در جدول ۷ است.

جدول ۷: نتایج آزمون علامت یک نمونه ای در مورد تحلیل نتایج فرضیه فرعی دوم

میانگین	انحراف معیار	میان	تعداد کمتر از میانه	تعداد معادل میانه	تعداد بیشتر از میانه	سطح معناداری
۳/۹۳	۰/۸۸	۴/۱	۵۲	۵	۲۷۴	۰/۰۰۰۱

همان‌طور که از نتایج جدول ۷ ملاحظه می‌شود، میانگین تأثیر متغیر «تعامل آموزشی پلیس و آموزش و پرورش» بر متغیر «پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی» در دانش‌آموزان دبیرستانی، ۳/۹۳ با انحراف معیار ۰/۸۸ و میانه ۴/۱ است. همچنین سطح معناداری آزمون علامت معادل ۰/۰۰۰۱ است. بنابراین در سطح $\alpha = 0.05$ فرض H_0 رد و فرض H_1 پذیرفته می‌شود و این نتیجه نشان‌دهنده تأثیر مثبت تعامل آموزشی پلیس و آموزش و پرورش بر پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی در دانش‌آموزان شهر مشهد است.

فرضیه فرعی ۳: تعامل اطلاعاتی پلیس و آموزش و پرورش بر پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی در دانش‌آموزان دبیرستانی مشهد مقدس تأثیر دارد. با توجه به توضیحات زیر، بررسی فرضیه اصلی مبنی بر غیر نرمال بودن متغیرها و تحلیل آزمون ناپارامتری تی یک نمونه‌ای، نتایج این آزمون در مورد بررسی فرضیه فرعی سوم به شرح مندرج در جدول ۸ است.

جدول ۸: در مورد تحلیل نتایج فرضیه فرعی سوم

میانگین	انحراف معیار	میان	تعداد کمتر از میانه	تعداد معادل میانه	تعداد بیشتر از میانه	سطح معناداری
۳/۸۳	۰/۸۸	۳/۸۴	۴۹	۹	۲۷۳	۰/۰۰۰۱

نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد، میانگین میزان تأثیر متغیر «تعامل اطلاعاتی پلیس و آموزش و پرورش» بر «پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی» در دانش‌آموزان دبیرستانی، ۳/۸۳ با انحراف معیار ۰/۸۸ و میانه ۳/۸۴ و سطح معناداری آزمون علامت معادل ۰/۰۰۰۱ است. بنابراین در سطح $\alpha = 0.05$ فرض H_0 رد و فرض H_1 پذیرفته می‌شود و این نتیجه نشان

دهنده تأثیر مثبت تعامل اطلاعاتی پلیس و آموزش و پرورش بر پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی در دانش‌آموزان شهر مشهد است.

فرضیه اصلی: حال که تأثیر هر سه بعد متغیر مستقل تحقیق بر متغیر وابسته اثبات شد، انتظار می‌رود متغیر مستقل نیز بر متغیر وابسته تأثیر گذار باشد بنابراین فرضیه اصلی تحقیق به این شرح مورد آزمون قرار می‌گیرد: «تعامل پلیس و آموزش و پرورش بر پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی در دانش‌آموزان دبیرستانی مشهد مقدس تأثیر دارد».

در آزمون ناپارامتری علامت یک نمونه‌ای، اگر فرض کنیم که:

M : میانه واقعی متغیر میزان تأثیر تعامل پلیس و آموزش و پرورش بر پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی در دانش‌آموزان دبیرستانی است،

با توجه به آنکه میزان تأثیر متغیر «تعامل پلیس و آموزش و پرورش» بر متغیر «پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی» در دانش‌آموزان دبیرستانی، مقادیر بین ۱ تا ۵ را به خود اختصاص می‌دهد، مقادیر کمتر یا مساوی ۳ به‌عنوان بی‌تأثیری و بیشتر از ۳ به‌عنوان تأثیر در نظر گرفته می‌شود بنابراین باید فرض‌های زیر را آزمون کنیم:

فرض H_0 : تعامل پلیس و آموزش و پرورش بر پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی در دانش‌آموزان دبیرستانی تأثیر ندارد.

فرض H_1 : تعامل پلیس و آموزش و پرورش بر پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی در دانش‌آموزان دبیرستانی تأثیر دارد.

جدول ۵: تحلیل نتایج فرضیه اصلی

میانگین	انحراف معیار	میانه	تعداد کمتر از میانه	تعداد معادل میانه	تعداد بیشتر از میانه	سطح معناداری
۳/۸۸	۰/۷۸	۳/۹۶	۴۳	۰	۲۸۸	۰/۰۰۰۱

همان‌طور که از نتایج جدول شماره ۵ برداشت می‌شود، میانگین متغیر میزان تأثیر تعامل پلیس و آموزش و پرورش بر پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی در دانش‌آموزان دبیرستانی، ۳/۸۸ با انحراف معیار ۰/۷۸ و میانه ۳/۹۶ است. همچنین سطح معناداری آزمون علامت معادل

۰/۰۰۰۱ است. بنابراین در سطح $\alpha = 0.05$ فرض H_0 رد و فرض H_1 پذیرفته می‌شود این نتیجه نشان دهنده تأثیر مثبت تعامل پلیس و آموزش و پرورش بر پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی در دانش‌آموزان شهر مشهد است.

حال که تأثیر مثبت متغیر مستقل بر متغیر وابسته تحقیق از طریق آزمون ناپارامتری تی یک نمونه‌ای نشان داده شد برای تعیین تفاوت تأثیر و اولویت‌بندی شاخص‌های مؤثر بر تعامل پلیس با آموزش و پرورش بر پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر مشهد از آزمون رتبه‌بندی فریدمن استفاده شد. فرضیه‌های این آزمون به صورت زیر خواهند بود:

فرض صفر: بین تأثیر ابعاد مختلف متغیر «تعامل پلیس با آموزش و پرورش» بر پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی در دانش‌آموزان دبیرستانی اولویت‌بندی وجود ندارد.

فرض یک: بین تأثیر ابعاد مختلف متغیر «تعامل پلیس با آموزش و پرورش» بر پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی در دانش‌آموزان دبیرستانی اولویت‌بندی وجود دارد.

جدول ۹: آزمون فریدمن در مورد اولویت شاخص‌های مؤثر بر تعامل پلیس با آموزش و پرورش در فرضیه اصلی تحقیق

مقدار	آماره	ردیف
۲۰/۸۸۵	خی دوی فریدمن	۱
۲	درجه آزادی	۲
۰/۰۰۰۱	سطح معناداری	۳

جدول شماره ۹ نشان می‌دهد، سطح معناداری آزمون فریدمن معادل ۰/۰۰۰۱ است و فرض صفر پذیرفته می‌شود. بنابراین نتیجه نشان می‌دهد که بین تأثیر ابعاد مختلف متغیر «تعامل پلیس با آموزش و پرورش» بر پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی در دانش‌آموزان دبیرستانی

اولویت‌بندی وجود دارد. با این نتیجه مراتب تأثیر متغیرهای سه گانه مستقل تحقیق بر متغیر وابسته به شرح جدول ۱۰ بررسی می‌شود.

جدول ۱۰: میانگین رتبه‌های تعامل سه گانه فرهنگی، اطلاعاتی و آموزشی برای اولویت‌بندی شاخص‌های مؤثر بر هر سه نوع تعامل پلیس با آموزش و پرورش بر پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر مشهد

عوامل	میانگین رتبه	اولویت
تعامل فرهنگی	۱/۸۶	سوم
تعامل اطلاعاتی	۱/۹۵	دوم
تعامل آموزشی	۲/۱۹	اول

همانطوری که در جدول ۱۰ ملاحظه می‌شود، بر اساس رتبه‌بندی ابعاد متغیر «تعامل پلیس و آموزش و پرورش»، تعامل «آموزشی» پلیس و آموزش و پرورش در رتبه اول و تعامل «اطلاعاتی» و «فرهنگی» پلیس و آموزش و پرورش به ترتیب در اولویت‌های دوم و سوم قرار دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج فرضیه اصلی تأثیر تعامل پلیس و آموزش و پرورش بر پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر مشهد پذیرفته شد، در تحقیقات گذشته نخعی (۱۳۹۴)، حکیمی (۱۳۹۴)، ترکمان و رفیعی (۱۳۹۶)، احدی (۱۳۹۵)، نوزامی و گوردن (۲۰۱۵)، نتیجه گرفتند که پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر ساده‌تر و کم‌هزینه‌تر از درمان بعدی و پیامدهای آن است. همچنین اگر این عامل در مدارس ریشه داشته باشد، بسیاری از بچه‌ها به علت دوستی عمیق با همسالان خود ممکن است درگیر آن شوند. همچنین فراوانی و دسترس بودن این مواد در اطراف مدارس و کنجکاو بودن دانش‌آموزان از مهم‌ترین علل گرایش آنها به استفاده از مواد مخدر است که همگی نتایج هم‌سویی با تحقیق نگارندگان

داشته است. باورهای غلط موجود در مورد مواد اعتیادآور صنعتی موجب شده تا دانش‌آموزان یکی از بزرگترین مشتریان چنین موادی باشند و آموزش و پرورش و پلیس هر کدام به تنهایی قادر به مهار آن نیستند. از این رو تعامل و همکاری دو طرفه می‌تواند به آگاه‌سازی دانش‌آموزان و کاهش مصرف آن کمک زیادی نماید. نتیجه تحقیق حاضر با نتیجه نظریه فشار نیز کاملاً هم‌سو است.

بر اساس نتایج فرضیه فرعی اول تأثیر تعامل فرهنگی پلیس و آموزش و پرورش بر پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر مشهد پذیرفته شد که نتیجه فرضیه با نتایج تحقیقات افرادی همچون نخعی (۱۳۹۴)، محرری (۱۳۹۴)، حکیمی (۱۳۹۴)، ترکمان و رفیعی (۱۳۹۶) و احدی (۱۳۹۵) هم‌سو است آنها نتیجه گرفته بودند که، فقر فرهنگی و محیط پرخاشگرانه خانواده در بسیاری از مناطق و قبیح نبودن استفاده از مواد مخدر به شدت بر رشد استفاده از آن تأثیر دارد و موجب می‌شود تا مصرف مواد به سنین پایین‌تر نیز رسوخ کند. از این رو فرهنگ‌سازی با تعامل دو جانبه پلیس و آموزش و پرورش می‌تواند از عواقب بعدی این بلای خانمان‌سوز پیشگیری کند. این نتایج با نتایج نظریه نفوذ اجتماعی نیز هم‌سو است، زیرا در نظریه نفوذ اجتماعی ادعا می‌شود که، فشارهای فرهنگی در جامعه چه مثبت و چه منفی قابلیت اجرایی دارند، چنانچه این تعامل مثبت باشد و از سوی مسئولان مدرسه و پلیس در جامعه پایه‌گذاری شود بسیار مطلوب‌تر خواهد بود.

بر اساس نتایج فرضیه فرعی دوم، تأثیر تعامل اطلاعاتی پلیس و آموزش و پرورش بر پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر مشهد پذیرفته شد، در تحقیقات گذشته ترکمان و رفیعی (۱۳۹۶)، احدی (۱۳۹۵)، بروکسر و همکاران (۲۰۱۳) و فاگیانو و همکاران (۲۰۱۳)، نتیجه گرفتند که جمع‌آوری اطلاعات از محیط‌های اجتماعی و به‌ویژه مدارس و برنامه‌ریزی لازم بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده می‌تواند تأثیر بسزایی در پیشگیری از گرایش به مصرف مواد اعتیادآور داشته باشد. این نتایج با نتایج نظریه کنترل شناختی نیز هم‌سو است.

بر اساس نتایج فرضیه فرعی سوم تأثیر تعامل آموزشی پلیس و سازمان آموزش و پرورش بر پیشگیری از مصرف مواد اعتیادآور صنعتی در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر مشهد پذیرفته شد، در تحقیقات گذشته ترکمان و رفیعی (۱۳۹۶)، دراکر و همکاران (۲۰۱۳)، تاهیری و همکاران (۲۰۱۲)، ماتسوموتو و همکاران (۲۰۱۱) نتیجه گرفتند که، آموزش مهارت‌های زندگی و پیشگیری از اعتیاد، نه تنها افزایش آگاهی و بهبود نگرش را به دنبال دارد، بلکه باعث ارتقای عملکرد افراد در امر تحصیل نیز می‌شود، به نظر آنها کمبود فضاهای فرهنگی و ورزشی در اطراف محل سکونت و تحصیل و سرخوردگی‌های آموزشی از مهم‌ترین علل گرایش به مواد مخدر است، که همگی نتایج هم‌سوئی با این تحقیق داشته‌اند. مهم‌ترین علت هم‌سوئی آن است که، بیشتر محققان بر این باورند که برای ایجاد فرهنگ مناسب در جامعه مهم‌ترین کار آموزش است، قرار گرفتن در معرض تبلیغات آموزشی عامل مهمی در تشویق کودکان به پرهیز از مصرف مواد اعتیادآور است. این نتایج با نتایج نظریه نفوذ و کنش متقابل هم‌سو است.

پیشنهادهای تحقیق

✓ با عنایت به این که بر اساس تحقیق انجام شده تعامل آموزشی پلیس و آموزش و پرورش از بالاترین اولویت برخوردار است، باید به این تعامل توجه بیشتری شود بنابراین پیشنهاد می‌شود:

- ۱- پلیس با همکاری آموزش و پرورش، راه‌های پیشگیری از گرایش فرزندان به مواد اعتیادآور را به خانواده‌ها آموزش دهند.
- ۲- بخش‌هایی از کتاب مهارت‌های زندگی به منظور آگاهی دادن به دانش‌آموزان و معلمان به پیشگیری از جرایم و آشنایی با مواد اعتیادآور و مضرات آن اختصاص یابد و آموزش آن به پلیس واگذار شود.
- ۳- تهیه بروشورها و برگزاری کارگاه‌های آموزشی با موضوع روش‌های پیشگیری از گرایش به مواد اعتیادآور توسط پلیس برای دانش‌آموزان، معلمان و والدین آنها در صدر برنامه‌های پلیس و آموزش و پرورش قرار گیرد.

- ✓ دومین اولویت در تعامل پلیس و آموزش و پرورش، تعامل اطلاعاتی است. بنابراین در برنامه‌های پیشگیری پیشنهاد می‌شود:
- ۴- دانش‌آموزان در معرض خطر اعتیاد از طریق معلمان و مربیان آموزشی شناسایی و اطلاعات لازم برای برنامه‌های پیشگیری به پلیس ارائه شود.
- ۵- جو اعتماد دانش‌آموزان، معلمان و مربیان به پلیس ایجاد و اخبار و اطلاعات مربوط به توزیع مواد مخدر در مدرسه به پلیس گزارش شود.
- ✓ سومین اولویت در تعامل پلیس و آموزش و پرورش، تعامل فرهنگی است. بنابراین با مدنظر قراردادن این نوع تعامل و لزوم برنامه‌ریزی‌های فرهنگی برای پیشگیری از گرایش جوانان دبیرستانی به مصرف مواد اعتیادآور پیشنهاد می‌شود:
- ۶- با اجرای کارگاه‌های آموزش مهارت زندگی برای خانواده‌ها از طریق مدرسه، فرهنگ‌سازی لازم برای اصلاح سبک زندگی خانواده‌های جوانان در خطر گرایش به اعتیاد نیز گنجانده شود تا با اصلاح باورها یا احیانا رفتارهای غلط والدین و الگوسازی آن‌ها، رفتار فرزندان اصلاح شود.
- ✓ تهیه محتوا برای برنامه‌های آموزشی و فرهنگی و تدوین نظام مدیریتی برای تعامل پلیس و آموزش و پرورش نیازمند بررسی بیشتری است که پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی به آن‌ها پرداخته شود.

فهرست منابع:

- اتکینسون، آن. (۱۳۸۵). پلیس جامعه‌محور در مدرسه. (ترجمه سروش بهربر). تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- احتشامی، علی. (۱۳۸۵). کلیات و طبقه‌بندی مواد مخدر. تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- احدی، رضا. (۱۳۹۵). بررسی علل اعتیاد به مواد مخدر صنعتی در شهر زنجان از منظر جرم‌شناسی با تاکید بر رویکرد پیشگیرانه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی دانشگاه کردستان.
- اسفندیاری، علی. (۱۳۹۴). تعیین میزان آگاهی جوانان راور به آثار فیزیولوژیکی سوء مصرف مواد اعتیادآور صنعتی شیشه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم انتظامی امین.
- امیرپور، مهناز؛ قربانی، محسن (۱۳۹۱). علل تغییر الگوی مصرف مواد مخدر از کم‌خطر به پرخطر. فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۳(۴۸)، ۲۰۱-۲۲۸.
- باباخانی‌پور، صمد. (۱۳۷۶). بررسی نقش چند عامل اجتماعی مؤثر در پدیده بزهکاری. همدان: کانون اصلاح و تربیت.
- برجاس، فرحناز. (۱۳۹۱). اعتیاد به مواد مخدر و علل آن. تهران: انتشارات اطلاعات.
- ترکمان، مهدی و رفیعی، حسن. (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر گرایش نوجوانان و جوانان به مواد مخدر. تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- حکیمی، داریوش. (۱۳۹۴). بررسی رابطه خشم و پرخاشگری با وضعیت گرایش به اعتیاد در دانش‌آموزان پسر مدارس متوسطه تبریز. دانشکده علوم انسانی دانشگاه تبریز.
- خزایی، حبیب‌الله، نجفی، فرید و علوی، عاطفه. (۱۳۹۲). شیوع سوء مصرف مواد و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در سال ۱۳۹۰. ماهنامه دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه. ۱۷(۳).
- دادخواه، مهرناز، شالچی، بهزاد و یاقوتی‌آذری، شهرام. (۱۳۹۴). نقش عملکرد خانواده، شکاف بین نسلی و موقعیت اجتماعی - اقتصادی در تبیین اعتیادپذیری جوانان. فصلنامه اعتیادپژوهی. تهران: ۹(۳۴).
- رفیعی، حسن‌رضا. (۱۳۹۳). پلیس و آموزش و پرورش، رویکرد تعاملی برای انتقال فرهنگ ترافیک. تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.

- سلیمی، هادی؛ گوهری، شیوا؛ کرمانشاهی، فاطمه و جاودان، موسی. (۱۳۹۴). پیش‌بینی گرایش به اعتیاد بر اساس مدل فرآیند و محتوای خانواده در دانش‌آموزان. تهران: فصلنامه اعتیادپژوهی، ۹(۳۴).
- شاو، مارگرت. (۱۳۸۸). پلیس مدارس و پیشگیری از جرایم، (ترجمه محسن دارابی). اراک:: نشر اشکک یاس قم.
- طارمیان، فرهاد؛ جزایری، علیرضا و قاضی طباطبایی، محمود. (۱۳۹۲). عوامل پیش‌بینی روانی اجتماعی مصرف مواد مخدر در نوجوانان. مجله دانشگاه علوم پزشکی زنجان، ۲۱(۸۵).
- کاهه، احمد. (۱۳۸۹). پیشگیری از اعتیاد با تاکید بر رویکرد مددکاری اجتماعی. تهران: شرکت ناجی نشر.
- محمدخانی، شهرام. (۱۳۸۴). مدل ساختاری مصرف مواد در نوجوانان در معرض خطر، ارزیابی اثر مستقیم و غیرمستقیم عوامل فردی و اجتماعی. فصلنامه پژوهش در سلامت روان‌شناختی. ۲(۶).
- معصومی‌راد، رضا. (۱۳۸۹). الگوی کاهش تقاضای مواد مخدر در ایران (با تاکید بر پیشگیری و درمان). طرح تحقیقاتی به سفارش پژوهشکده تحقیقات راهبردی (کمیته مبارزه با مواد مخدر، دبیرخانه مجمع مصلحت نظام). تهران: نشر جامعه و فرهنگ.
- نخعی، علیرضا. (۱۳۹۴). بررسی نگرش و آگاهی سربازان وظیفه درباره سوء مصرف و عوارض اجتماعی و روانی مواد مخدر صنعتی. دانشکده علوم انسانی دانشگاه کرمان.
- نوری، بهبود. (۱۳۸۹). پیشگیری اولیه از اعتیاد. اردبیل: معاونت امور پیشگیری سازمان بهزیستی استان اردبیل.
- Bruckner, T., Domina, T., Jin Kyoung, H., Gerlinger, G., carpenter, C., wakefield, S. (2013). State-Level Education Standards for Substance Use Prevention Programs in Schools: A systematic content Analysis. *Journal of Adolescent Health*, 54(4), 467-473.
- Drauker, C. B., & mazurczyk, J. (2013). Relationship between childhood sexual abuse and substance use and sexual risk behaviors during adolescence: An integrative review.
- Faggiano, F., Vigana-Taglianti, F., Burkhart, G., Bohm, K., Cuomo, L., Gregori, D. ...Rosaria, M. (2010). The effectiveness of a school-based substance abuse prevention program: 18 Month follow-up of

- The Eu-Dap cluster randomized controlled trial. Journal of Drug and alcohol dependence, 108, 56-64
- Matsomoto, T., chiba, Y., Imamura, F., kobayasgi, O., Wada, K., (2011). Possible effectiveness of intervention using a self-teaching workbook in adolescent drug abuser detained in a juvenile classification home. Journal of psychiatry and clinical neurosciences, 65, 576-583.
 - Nozomi, Franco., Cea, Gordon, E. Barnes. (2015). the development of Addiction-Prone Personality traits in biological and adoptive families. Personality and Individual Differences Volume 82, August, Pages 107-113.
 - Tahiri, Z., Gashi, M., Lsmajli, R., muja, (2012). P-602-The attitudes of students of high schools in Gjilan related to drug abuse. Journal of European psychiatry 27 (1), 1-10. DOI: 10. 1007/s10899-007-9085-1.

